

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« شورای عالی حوزه علمیه »

« مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران »

« حوزه علمیه حضرت حجت (عج) »

عنوان مقاله:

« سیره اقتصادی معصومین (ع) »

گردآورنده:

« فریبارنجی »

« فروردین ۱۴۰۳ - سطح ۲ »

از میان علومی که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده، علم اقتصاد مهمترین عاملی است که بقا و حیات جامعه بشری را براساس خودپایدار میدارد؛ به طوری که عدم به کارگیری و بهره برداری از علم اقتصاد و ناتوانی در مدیریت و اجرای صحیح آن، سبب بروز مشکلات فراوانی در اقتصاد کشورهای مختلف شده است. از آنجایی که مشکلات اقتصادی، زمینه ساز بروز مشکلات دیگر هستند، از این رو ضرورت بررسی این موضوع روشن است. بنابراین سوال اصلی این است که، سیره و قول معصومین (ع) به عنوان شخصیت های برتر عالم، در رابطه با مسئله مهم اقتصاد چگونه بوده است؟ با استناد به آیات و روایات به عنوان بهترین منبع دسترسی به سیره معصومین (ع) به گوشه ای از سیره و سبک زندگی ایشان و آموزه ها و دستوراتشان می پردازیم. براساس آیات و روایات مهمترین اصول اقتصادی که در سیره معصومین (ع) مورد توجه واقع شده است، عبارت است از: پایبندی به مسائل اخلاقی و روابط انسانی در امور اقتصادی، مقابله با مفاسد اقتصادی، توصیه به کار و تلاش، فقرزدایی از جامعه، احساس تعهد و وجدان کاری، ساده زیستی و رعایت قناعت در زندگی فردی و اجتماعی، رعایت تقوای کاری، سیاست های مالی، وظایف دولت اسلامی و... این مقاله به روش نقلی، تحلیلی و گزارش کتابخانه ای گردآوری شده است. وجه تمایز این مقاله با سایر مقاله های هم عنوان، پرداختن به موارد بیشتر و منسجم تر است.

کلیدواژه ها: اقتصاد، سیره، معصومین (ع)

انسان برای دست یابی به موفقیت در هر زمینه ای از جمله اقتصاد، همان طور که به الگوهای نظری در باب اهداف و اصول صحیح، نیازمند است، به الگوهای عینی و علمی که مصادیق عملی آن اهداف و اصول را نشان دهد، نیز نیاز دارد. و از آنجایی که همه ی ارزشهای مکتب و معیارهای فضیلت و عوامل موفقیت که در کلام الهی بیان شده، فقط به صورت عینی و یکجا در شخصیت انسان های کامل، گفتار و رفتار آنها جمع شده است، پس راه موفقیت و رسیدن به مقام والای کمال و انسانیت، پیروی از سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) است. در این مقاله سعی بر آن است که با استناد به آیات و روایات و تحلیل فعالیت ها، قول و سیره اقتصاد ی معصومین (ع)، پرتوهای روشنی از سیمای اقتصادی، آن بزرگواران، فراروی معتقدان به منزلت والای ایشان قرار داده شود. باتوجه به این که امروزه یکی از مهمترین مشکلات جوامع بشری اقتصاد بوده و از آنجایی که مشکلات اقتصادی هم زمینه ساز مشکلات دیگر است، است، بررسی این موضوع ضرورت دارد.

مفهوم شناسی

اقتصاد از ریشه ی قصد به معنی راستی راه است. اقتصاد در لغت به دو معنی است. یکی از آن دو، پسندیده است که حد وسط و میانه ی افراط و تفریط است مانند وجود که حد وسط اسراف و بخل محسوب میشود یا شجاعت که حد وسط تهور و ترس است و به همین معنی در قرآن به کار رفته است: در رفتار میان راه برگزین^۱ و دوم به امری اطلاق میگردد که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است، مانند آنچه که بین عدل و جور یا قریب و بعید فرض میشود: بعضی از آنان برخود ستم کردند و بعضی راه میانه را برگزیدند.^۲

سیره در اصطلاح دینی به معانی طریقه، روش و رفتار و اخلاق عملی به کار رفته است. وقتی سیره پیامبر یا معصومین گفته می شود، نمونه هایی از اخلاق و رفتار مستمر آنان مقصود است که در زندگی بر آن روش عمل می کردند. گاهی هم اخلاق و سیره و سنت به یک معنی به کار می رود.^۳ شهید مطهری رحمه الله با اشاره به تفاوت معنایی (سیر) و (سیره) می گوید: (سیر) یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن؛ (سیره) یعنی نوع و سبک خاص راه رفتن.^۴ به

^۱ لقمان، ۱۹.

^۲ فاطر، ۳۲.

^۳ ملک زاده، محمد، سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت جور، ص ۲۷.

^۴ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۵۰.

اعتقادوی، هر رفتاری رانمی توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود.

بر اساس آیه ی : « وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ »^۱ و مابین کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است ، و مایه ی هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است . قرآن کتابی واقع نگراست که با توجه به واقعیت های های زندگی انسان و نیازهای او، رهنمون انسان به مقصد اعلی و مقصود والا است. بر این اساس بخشی از آیات قرآن پیرامون اقتصاد و اخلاق اقتصادی است ، که بر مبنای توحید و فطرت توحیدی انسان واقع شده است . برخی با تکیه بر باور غلط خود، مبنی بر اینکه اسلام ، اساساً دارای مکتب اقتصادی نیست، و فقط به مسائل اخلاقی توجه دارد ، سعی بر انکار آموزه های اقتصادی قرآن کریم دارند، اما بادقت در دستورات متعالی اسلام در زمینه های مختلف ، مانند احکام مربوط به معامله و خرید و فروش ، واضح است که اسلام نه تنها دارای دستورات اقتصادی است بلکه در زمینه ی اقتصاد، مکتبی پویاست، چرا که در قرآن کریم و روایات ، بسیاری از اصول اقتصادی ، مورد اشاره قرار گرفته است و در بسیاری از آیات قرآن کریم ، رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی وجود دارد که دستورات مختلفی را برای انسان صادر نموده است ، که شناخت آنها راهی برای رسیدن به اهداف مکتب اسلامی و داشتن جامعه ای پویا، مرفعی و متعالی است.

شهید صدر با تمسک به دلایلی از جمله : گستره قوانین و احکام شرعی ، ضرورت هدایت دینی در زندگی اجتماعی، روایات متعدد از پیشوایان دینی و..... اسلام را لزوماً دارای مکتب اقتصادی میدانند. از جمله قوانین و احکام شرعی که در قرآن کریم به قوانین اقتصادی اشاره دارد، آیه ی « وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا..... »^۲ خدا بیع را حلال کرده ، و ربا را حرام ! است که به قوانین اقتصادی اشاره دارد. معامله حلال است، زیرا موجب رونق اقتصادی میشود و مردم به وسیله ی معامله نیازهای خود را برطرف می کنند اما ربا و احتکار حرام است ، چرا که موجب کمیاب شدن، و گاهی نایاب شدن موارد مصرفی مردم شده، که افزایش قیمت را در بر داشته و در نتیجه به اقتصاد ضربه وارد میکند. با دقت در آیات و روایات درمی یابیم که رعایت مسائل اخلاقی و روابط انسانی در امور اقتصادی ، مقابله با مفاسد اقتصادی ، توصیه به کار و تلاش ، فقر زدایی از جامعه، احساس تعهد و وجدان کاری، ساده زیستی و قناعت در زندگی فردی و اجتماعی، رعایت تقوای کاری، سیاست های مالی ، وظایف دولت اسلامی و..... همگی نشان دهنده ی دقت و توجه اسلام به امر مهم اقتصاد است.

مهمترین اصول اقتصادی که در دین اسلام و سیره معصومین (ع) مورد توجه واقع شده است:

۱- پابندی به مسائل اخلاقی و روابط انسانی در امور اقتصادی

^۱ نحل، ۸۹.

^۲ بقره، ۲۷۵.

۹- وظایف دولت اسلامی

درسیره معصومین(ع) نقش دولت اسلامی در امور اقتصادی اهمیت زیادی داشته و مهمترین عنصر تشخیص دهنده ساختار سیاسی و اجتماعی است، که در عین اینکه مسئول سروسامان دادن به معیشت و رفاه مردم در همه ی شئون زندگی آنها است، دارای وظایفی از جمله تعلیم و تربیت، حفاظت از دین، مبارزه بابتدعتها، ایجاد امنیت، تامین اجتماعی، مبارزه باتبعیض هاوی بی عدالتی های اقتصادی، عمران و آبادانی، افزایش رفاه و درآمدهای مردم،... می باشد. در رابطه با وظایف اقتصادی دولت اسلامی توجه دولت مردان و مسئولان به سیره و آموزه های معصومین(ع)، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. امیرالمومنین(ع) ذاهدترین و عادل ترین حاکم در مورد وظایف دولت اسلامی می فرماید: «علی الامام ان يعلم اهل ولايته حدود الاسلام والایمان»^۱ بر امام واجب است که حدود اسلام و ایمان را به افراد جامعه اش بیاموزد. و در خطاب به عثمان، وظیفه پاسداری از دین را برای دولت اسلامی، برترین عبادت قلمداد می کند: «فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ، هُدًى وَهَدًى فَأَقَامَ سُنَّةً مَعْلُومَةً، وَأَمَاتَ بِدَعَاةٍ مَجْهُولَةٍ...»^۲ بدان که فاضل ترین بندگان خدا، نزد او امامی است دادگر، هدایت شده و راهبر، که سنتی را که شناخته است برپا دارد و بدعتی را که ناشناخته است، بمیراند. امام علی(ع) فلسفه تشکیل حکومت را بر قراری امنیت دانسته و می فرماید: «...وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى، حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ...»^۳ مردم به زمامدار نیازمندند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار؛ تا مؤمنان در سایه حکومتش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره مند شوند و مردم در دوران حکومت او زندگی را طی کنند و به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری گردد و به کمک او با دشمنان مبارزه شود، جاده ها امن و امان، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود، نیکوکاران در رفاه و مردم از دست بدکاران در امان باشند.

به قثم بن عباس، کارگزار خود در مکه می نویسد: «وَأَنْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَ الْمَجَاعَةِ، مُصِيباً بِهِ مَوَاضِعَ الْفَاقَةِ وَ الْخَلَاتِ...»^۴ مال خدا که نزد تو گرد می آید، نظر کن! آن را به عیال و گرسنگانی که نزدیک هستند بده، و آنان که سخت نیازمند و ماندن در آنجا بفرست تا مانیز آن را به نیازمندان که نزد ما هستند، قسمت کنیم. امام(ع) در یک کلام انحصار طلبی دولت رانفی می کند؛ آن جاکه به مالک می فرماید: بپرهیزید فرماید: بپرهیز از این که به خود اختصاص دهی، چیزی را که همگان را در آن حقی است... میدانید که رسول(ص) دست کسی را که مرتکب دزدی شده بود قطع کرد و زناکار غیر محصن را تا زینانه زد؛ ولی سهمی را که از غنائم نصیبشان می شد به آنان پرداخت و رخصت داد که با زنان مسلمان ازدواج کنند. رسول(ص) آنان را به سبب گناهی که مرتکب شده بودند، مؤاخذه کرد و حد خدا را برایشان جاری ساخت؛ ولی «...أَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَلَمْ يَمْنَعْهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَمْ يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ...»^۵ از سهمی که اسلام برایشان معین کرده بود، منعشان نمود و نامشان را از میان مسلمانان

^۱ خوانساری، جمال الدین، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و در الکلم، ج ۴، ص ۳۱۸

^۲ شریف رضی، نهج البلاغه - ط دارالکتاب اللبنانی، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۵، خ ۱۶۴.

^۳ همان، ص ۸۲، خ ۴۰.

^۴ مکارم شیرازی، ناصر، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، ج ۱، ص ۷۱۴، نامه ۶۷.

^۵ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۱۳۵، ۱۳۶.

^۶ صبحی صالح، نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۴، خ ۱۲۷.

نزدود، به مالک می نویسد که خراج را طور ی تنظیم کند که مانع تولید نشود و «... ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتَّجَارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَأَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا...»^۱ نسبت به امور بازرگانان و صنعتگران توجه خاصی مبذول داشته، به آنان کمک نماید. امام علی (ع) برای حمایت از بازار، همانند زمان پیامبر (ص) به ساختن بازار اقدام کرده و سپس آن را در اختیار تجارت قرار دادند^۲ و شخصاً اوضاع بازار را زیر نظر داشتند «وَعَنْ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ بِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍّ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ...»^۳ و ضمن دعوت بازاریان به رعایت موازین اخلاقی و شرعی، بر معاملات که بین مشتری و فروشنده در جریان بود نظارت میکردند و با احتکار و گرانفروشی نیز سخت مبارزه می نمودند. امام، به این نیز بسنده نمی کردند و افرادی را برای نظارت و رسیدگی به امور بازار در مناطق دیگر می گماشتند؛ چنان که به رفاعه بن شداد قاضی منصوب خود بر اهواز نامه ای نوشت و در آن امر نمود که این هر مه را از بازار بردارد و شخص دیگری را متولی بازار نماید. شهید مطهری می فرماید: اسلام می خواهد که غیر مسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد؛ و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی؛ و لولا آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده اوست و اعتباری به تعارف های دیپلماسی معمولی نیست. چقدر جهالت است که آدمی ارزش سلامت بنیة اقتصادی را در نیابد و نفهمد اقتصاد مستقل یکی از شرایط حیات ملی است.^۴

^۱ شریف رضی، نهج البلاغ - ط دارالکتاب اللبنانی، ج ۱، ص ۴۳۸، نامه ۵۳.

^۲ عاملی، جعفر مرتضی، بازار در سایه حکومت اسلامی، ص ۲۷.

^۳ مغربی، نعمان، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۵۳۸.

^۴ مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۲۱، ۲۲.

نتیجه

اقتصاد از مهمترین مشکلات جوامع بشری بوده که نیازمند بررسی و تحقیق، برای حل آن و مشکلات ناشی از آن است. و از آنجایی که موفقیت در هر زمینه ای نیازمند پیروی از کلام الهی و سیره معصومین (ع) است، در این مقاله سعی شده، زره ای از سیمای اقتصادی آن بزرگواران، فراروی معتقدان به منزلت والای ایشان قرارداد شود اقتصاد از ریشه ی قصد به معنی راستی راه است. مهم ترین اصول اقتصادی که در دین اسلام و سیره معصومین (ع) مورد توجه واقع شده است، عبارت است از: پابندی به مسائل اخلاقی و روابط انسانی در امور اقتصادی، مقابله با مفاسد اقتصادی، توصیه به کار و تلاش، فقر زدایی از جامعه، احساس تعهد و وجدان کاری، ساده زیستی و رعایت قناعت در زندگی فردی و اجتماعی، رعایت تقوای کاری، سیاست های مالی، وظایف دولت اسلامی و... مراعات امور اخلاقی و انسانی در کسب و کار، تجارت و معاملات از جمله رعایت عدالت و انصاف در کلیه شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، وفای به عقد، عدم اکل به باطل، قرض الحسنه، انفاق، و... فراوان مورد تاکید قرار گرفته. در رابطه با وظایف اقتصادی دولت اسلامی توجه دولت مردان و مسئولان به سیره و آموزه های معصومین (ع)، از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا نقش دولت اسلامی در امور اقتصادی اهمیت زیادی داشته و در عین اینکه مسئول سرو سامان دادن به معیشت و رفاه مردم در همه ی شئون زندگی آنهاست دارای وظایفی از جمله تعلیم و تربیت، حفاظت از دین، مبارزه با بدعتها، ایجاد امنیت، تامین اجتماعی، مبارزه با تبعیض ها و بی عدالتی های اقتصادی، عمران و آبادانی، افزایش رفاه و درآمدهای مردم،... می باشد.

منابع

قران کریم

- نهج البلاغه، دشتی، محمد، نهج البلاغه، ج ۱، موسسه امام صادق (ع)؛ شریف رضی، نهج البلاغه - ط دارالکتاب اللبنانی، ج ۱، المحقق: صبحی صالح، ناشر: دارالکتاب لبنان؛ صبحی، صالح، نهج البلاغه، ج ۱، ناشر: قم، مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴، افست از روی بیروت، ۱۳۸۷ ق. =؛ ۱۳۶۶؛ فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه نهج البلاغه، ج ۲ و ج ۵، ناشر سازمان چاپ و انتشارات فقیه (تالیفات فیض الاسلام) تهران، ۱۳۶۸ ه. ش.
- صحیفه سجادیه، نورالسقلین، ناشر: نشر الهادی قم، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۲، مصحح: آشتیانی، محمدحسین و رسولی هاشم، موسسه انتشارات علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۱ ق.
۲. ابن ابی فراس، ورام، تنبیه الخواطر ونزهه النواظر، ج ۱، مکتبه الفقیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن الارسل، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم ۱۳۶۳ ه. ش، ۱۴۰۴.
۴. آراسته خو، محمد، فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، ص ۱۱۲۵.
۵. ابن اثیر، عز الدین، اسعد الغابه ج ۲، الناشر: دار الفكر - بیروت، ۱۴۰۹ ه - ۱۹۸۹ م.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مصحح: غلامحسین مجیدی خوانساری، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۷. جعفری، محمدتقی، وجدان، ج ۱ انتشارات اسلامی، بی تا.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۷، محقق رضاالحسینی الجلالی، موسسه آل بیت الاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۲ ق.
۹. -----، وسائل الشیعه، ج ۱۲، محقق رضاالحسینی الجلالی، موسسه آل بیت الاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان، چاپ اول ۱۴۱۷ ق.
۱۱. خوانساری، جمال الدین، شرح محقق بارع جمال الدین محمد خوانساری برغررالحکم ودرالکلم، ج ۴، مصحح: میرجلالدین حسینی ارموی، ناشر: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ج ۱، ناشر: دفتر نشرالکتاب، بی جا، چاپ دوم، ۱۴۰۴.
۱۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقران، ج ۴، ناشر: منشورات مؤسسه الأعلمی للمطبوعه ۱۵. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم، تکمله العروه الوثقی، ج ۱، ناشر: مکتبه الداوری، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. عاملی، جعفر مرتضی، بازار در سایه حکومت اسلامی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹.
۱۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجۀ البیضاء، ج ۳، ناشر: جماعه المدرسین بقم، موسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ط الاسلامیه، ج ۵، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

- ۱۹.-----،-----،الكافي،ط الاسلاميه، ج ۲،ناشر:دارالكتب الاسلاميه،تهران،چاپ چهارم،۱۴۰۷ق.
- ۲۰.-----،-----،الكافي،ط الاسلاميه، ج ۳،ناشر:دارالكتب الاسلاميه،تهران،چاپ چهارم،۱۴۰۷ق.
- ۲۱.ملک زاده،محمد،سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت جور،ناشر:انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،تهران،۱۳۹۲ش.
- ۲۲.مطهری،مرتضی،مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶،ناشر:صدرا،۱۳۸۹.
- ۲۳.-----،-----،عدل الهی،ناشر:صدرا،۱۳۹۹.
- ۲۴.-----،-----،نظری به نظام اقتصادی اسلام، شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید مطهری ۱۳۶۸.
- ۲۵.مکارم شیرازی،ناصر،اخلاق درقرآن،ج۳،ناشر:مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)،قم،چاپ اول،۱۳۷۷ه.
- ۲۶.-----،-----،خطوط اقتصاد اسلامی،ناشر:مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)،قم،چاپ اول،۱۳۶۰ش.
- ۲۷.-----،-----،تفسیرنمونه،ج۵،ناشر:دارالكتب الاسلاميه،چاپ:سی و دوم،۱۳۷۴ه. ش.
- ۲۸.-----،-----،نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان،ج۱،ناشر:مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)،قم،۱۳۸۴ش.
- ۲۹.مجلسی،محمدباقر،بحار الانوار، ج ۷۸،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۰.-----،-----،بحار الانوار، ج ۴۸،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۱.-----،-----،بحار الانوار،ج۱۰۳،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۲.-----،-----،بحار الانوار، ج ۴۸،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۳.-----،-----،بحار الانوار، ج ۷۷،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۴.-----،-----،بحار الانوار، ج ۹۶،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۵.-----،-----،بحار الانوار،ج۱۱۷،ناشر:موسسه الوفا،چاپ دوم،۱۴۰۳ه.ش.
- ۳۶.مجلسی،محمدتقی،روضه المتقین فی شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۱۳،ناشر:موسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور،قم،چاپ دوم،۱۴۰۶ق.
- ۳۷.-----،-----،روضه المتقین فی شرح من لا يحضره الفقيه،ج۷،مصحح:موسوی کرمانی،حسین واشتهاردیعلی پناه،ناشر:موسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور،قم،چاپ دوم،۱۴۰۶ق.
- ۳۸.مرعشی،القاضی نورالله،احقاق الحق وازهاق الباطل،ج۲۵،ناشر:مکتبه آیه الله المرعشی النجفی،چاپ:اول،۱۴۰۹ق.
- ۳۹.محمدی ری شهری،محمد،میزان الحکمه،ج۴،پژوهشکده علوم و معارف حدیث عبد الهادی مسعودی ۱۳۸۵.
- ۴۰.-----،-----،میزان الحکمه،ج۱۲،پژوهشکده علوم و معارف حدیث عبد الهادی مسعودی ۱۳۸۵.
- ۴۱.-----،-----،میزان الحکمه،ج ۹،پژوهشکده علوم و معارف حدیث عبد الهادی مسعودی ۱۳۸۵.
- ۴۲.-----،-----،میزان الحکمه،ج ۱۰،پژوهشکده علوم و معارف حدیث عبد الهادی مسعودی ۱۳۸۵.
- ۴۳.مغربی،نعمان،دعائم الإسلام،ج۲،ناشر:مؤسسه آل البيت عليهم السلام،قم،چاپ:دوم،۱۳۸۵ه.ق.
- ۴۴.نجفی جواهری،شیخ محمدحسن،جواهرالکلام،ج۳۶،محقق:قوچانی،عباس،ناشر:دار إحياء التراث العربی،بیروت،چاپ:هفتم،۱۳۶۲ش.